خبر

همه دستگاه‌ها برای حل مشکل آب پای کار بیایند

معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان گفت: در شرایط فعلی که با بحران آب روبه‌رو هستیم همه دستگاه‌ها باید برای حل این مشکل پای‌کار بیایند. به گزارش مهر، علی اصغر طهماسبی اظهار کرد: در حوزه آسیب های اجتماعی خصوصا آب سه راهکار سیاسی، اجتماعی و اکولوژیک را داریم. وی افزود: در راهکار سیاسی می توانیم در حوزه دیپلماسی اقدام و عمل داشته و از طریق آبریزهایی که در ترکمنستان، افغانستان، ترکیه و اروند رود قرار دارد می توانیم بده بستان هایی را با کشورهای همسایه داشته باشیم که در این زمینه هزینه های زیادی به کشور تحمیل می شود. طهماسبی ادامه داد: در راهکارهای اقتصادی در حوزه کشاورزی، حوزه صنعت و معدن و آب شرب، اگر در ۴۰ سالی که از انقلاب اسلامی گذشته هرساله اقدام و عمل را سر لوحه کار خود قرار می دادیم و اعمال قانون می کردیم ۱۶ هزار حلقه چاه غیر مجاز در استان به وجود نمی آمد. وی تصریح کرد: در هیچ کجای دنیا برای کشت شالی از آبهای زیرزمینی برداشت نمی شود اما در گلستان این اتفاق رخ می دهد. طهماسبی گفت: در زمینه مصرف درست منابع آبی باید مدیریت داشته باشیم و این کار کمتر از مبارزه با تروریست و داعش نیست، بحران آب یکی از آسیب هایی است که در کشور وجود دارد و بی آبی و خشکسالی از تبعات آن است و اگر نتوانیم این موضوع را مدیریت کنیم چندصباحی دیگر در شهرهای کشور دچار مشکل می شویم. وی ادامه داد: در دوران دفاع مقدس رزمندگان اصفهانی و رزمندگان یزدی در یک سنگر می جنگیدند اما در بحث انتقال آب از اصفهان به یزد چنان غوغایی به پا شد، این امر نشان می دهد ما در تقسیم برخی از نیازمندی ها دچار آسیب هستیم و اگر نتوانیم مدیریت و فرهنگ سازی کنیم به مشکل بر می خوریم. طهماسبی افزود: کشاورزانی که با همکاری جهاد کشاورزی تغییر الگوی کشت دادند برای آن ها هزینه هایی در بر داشته است، شاید این کشاورزان میزان درآمدی که از شالی به دست می آوردند را نتوانند با کشت دیگری به دست بیاورد، بنابراین دولت باید در برنامه های پنج ساله و ۱۰ ساله سوبسیدهایی را برای این بخش در نظر بگیرد. وی گفت: جمهوری اسلامی ایران دشمنان زیادی دارد که کمر برای نابودی آن بسته اند از این رو همه دستگاه ها باید برای حل این مشکل پای کار بیایند.

پراکنش پارک های گرگان متوازن نیست

در کمیسیون خدمات شهری شورای اسلامی شهر گرگان با بیان این که پراکنش پارک های سطح شهر متوازن نیست بر لزوم ایجاد زیرساخت هایی از قبیل سرویس بهداشتی و روشنایی تأکید شد. به گزارش مهر، بیست و نهمین جلسه کمیسیون گردشگری، خدمات و زیست شهری شورای اسلامی شهر گرگان به بازدید از پارک ها و فضای سبز شهر گرگان اختصاص یافت. در این جلسه اعضای شورای اسلامی شهر گرگان به همراه رئیس سازمان فضای سبز شهرداری گرگان، مدیر دفتر توسعه گردشگری شهری و جمعی از مدیران شهرداری از فضای سبز شهرک امام و شهرک ویلاشهر بازدید کردند. رئیس کمیسیون گردشگری، خدمات و زیست شهری شورای اسلامی شهر گرگان در این بازدید اظهار کرد: با پایان فصل بهار و شروع تابستان بازدید خانواده‌ها از پارک ها و فضاهای سبز شهر افزایش می یابد بنابراین باید خدمات اولیه پارک ها که شامل روشنایی، سرویس بهداشتی و آبخوری است، برای مردم فراهم شود. علی اصغر یوسفی افزود: توجه و ایجاد زیرساخت های مناسب در این اماکن، باید مورد توجه مسئولان شهری قرار بگیرد؛ متاسفانه می بینیم که برخی از پارک ها زیرساخت های مناسب را ندارند و یا اگر وجود دارد، نیازمند تعمیر و رسیدگی مجدد است. یوسفی با بیان این که می توان با توجه به ابعاد پارک، در آن ها زمین ورزشی تعریف کرد، گفت: وسایل بازی کودکان و دستگاه های ورزشی هم باید در پارک ها تعبیه شود. در ادامه یحیی ستوده نیا، رئیس سازمان سیما، منظر و فضای شهرداری گرگان اظهار کرد: از سال ۹۶ به ما اعلام شد که باید حداقل دو چشمه سرویس بهداشتی یکی برای بانوان و یکی برای آقایان در پارک ها ایجاد کنیم. وی گفت: این اقدام تقاضای به حق مردم است ولی تاکنون موفق نشدیم که آن را اجرایی کنیم. ستوده نیا افزود: پراکنش پارک در سطح شهر متوازن نیست و ممکن است از دیگر محلات هم برای استفاده از پارک ها بیایند بنابراین ضرورت ایجاد سرویس بهداشتی دوچندان می شود. وی در بازدید از فضای سبز بلوار شهرک امام گفت: فواره این پارک ساخته شده اما به دلیل نداشتن پمپ حدود ۶ ماه است که به همین صورت رها شده است.

جولان مؤسسات غیر مجاز کنکور

استاد محمد واعظی
عربی
مهندس امیر قضایی
فیزیک
مهندس مهدی نورسلیمانی
ریاضیات
دکتر سید محمد آریا
زیست شناسی
مهندس محمدرضا ارمندپور
شیمی

با نزدیک شدن به ماراتن کنکور ۹۷، فعالیت مؤسسات غیرمجاز کنکور در گرگان داغ شده و با وجود آسیب‌زا بودن آن‌ها، کسی بر کار فعالیت این موسسات و اساتید تقلبی آن ها نظارت نمی‌کند. به گزارش مهر، به زمان برگزاری کنکور سراسری سال ۹۷ نزدیک می‌شویم؛ روزهای باقیمانده برای داوطلبان و اولیاء از اهمیت خاصی برخوردار است و همه در تکاپو هستند تا از این ماراتن عقب نمانند. آن‌ها که در مدارس غیرانتفاعی درس می‌خوانند، تابع برنامه‌ریزی مدرسه خود و اشخاص دیگر سرگردان کلاس‌های کنکور و مشاوره‌های مؤسسات آموزشی می‌شوند. هرچند مانند گذشته کشور با کمبود دانشگاه مواجه نیست، اما هنوز عده‌ای برآنند تا برای دستیابی به رشته و دانشگاه‌های برتر سد کنکور را بشکنند، اینجاست که پای کلاس‌های کنکور و اساتید مطرح به میان می‌آید و جیب خانواده‌ها با وجود هزار بدبختی خالی می‌شود.

تبلیغات گسترده در گرگان

در گرگان هم این روزها شاهد تبلیغات گسترده در سطح شهر توسط مؤسسه‌هایی هستیم که اغلب آن‌ها فاقد مجوز بوده و بدون داشتن تعرفه‌ای مشخص از دانش آموزان شهریه‌های نجومی می‌گیرند. یکی از مدیران مؤسسات کلاس‌های کنکور مجوزدار در این زمینه گفت: مؤسسات آموزشی بی‌شماری در گرگان بدون داشتن مجوز مشغول فعالیت هستند و گویی که شهر کلانتر ندارد. م. جعفری افزود: نسبت مؤسسات کنکوری فعال مجوزدار به آموزشگاه های غیرمجاز فعال تقریباً پنج به ۲۵ است. وی گفت: متأسفانه این مؤسسات کلاس‌های مختلفی برگزار و برای دانش آموزان جاذبه‌های مختلف حتی غیر درسی ایجاد می‌کنند. جعفری ادامه داد: این مؤسسات به دلیل نداشتن مجوز محدودیتی هم ندارد و هر طور که بخواهند کلاس برگزار می‌کنند بنابراین هرسال شاهد تعطیل شدن آموزشگاه‌های مجوزدار هستیم.

آموزش و پرورش اقدامی انجام نمی‌دهد

وی تصریح کرد: باید جلوی فعالیت این مؤسسات گرفته شود. آموزش و پرورش گاهی اعلام می‌کند ما از طریق اماکن پیگیر آن هستیم ولی سال‌هاست که مؤسسات غیرمجاز مشغول به فعالیت بوده و آموزش و پرورش کاری در این زمینه انجام نمی‌دهد. جعفری اضافه کرد: اکنون در شهر مؤسسات کنکوری غیرمجاز را می‌بینیم که مانند قارچ رشد کرده و در مجتمع‌های تجاری، زیرزمین‌ها، خانه‌ها و غیره فعالیت می‌کنند.

مشکلات مؤسسات غیرمجاز

وی با بیان این‌که این مؤسسات، مبالغ نجومی و بالاتر از استاندارد می‌گیرند، گفت: علاوه بر آن مشکلات دیگری هم وجود دارد، گردانندگان و مدرس‌های آن‌ها دانشجویان کم سابقه بوده و بسیاری از کلاس‌های آن‌ها حتی به پایان دوره هم نمی‌رسد، آن‌ها بعد از اخذ شهریه محل را ترک می‌کنند و والدین شاکی می‌مانند که چون موسسه مجوزی نداشته نمی‌توانند اقدامی انجام دهند. جعفری تصریح کرد: این مؤسسات اعلام می‌کنند که اساتید ما پروازی هستند و از تهران می‌آیند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که واقعیت چیز دیگری است؛ اساتید آن‌ها، دانشجویان شهرهای دیگری بوده که در گرگان تحصیل می‌کنند و هیچ‌کدام استاد نیستند. وی افزود: آن‌ها به راحتی بنرهای پر از دروغ شامل اصطلاحات «غول فیزیک»، «سوپراستار عربی» و غیره را در سطح شهر نصب می‌کنند حال اگر ما بخواهیم بنری نصب کنیم ابتدا باید استاد بودن مدرس خود را ثابت کنیم بعد کلمه «استاد» در بنر ذکر شود. برای بررسی چگونگی فعالیت این مؤسسات و آسیب‌هایی که ممکن است ایجاد کند با رئیس اداره مشاوره اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان گفتگو کردیم؛ عباس عبداللهی‌فر گفت: رقابت در کنکور باعث می شود فرصت طلبان از آن سوء استفاده کنند. وی ادامه داد: بر کار آموزشگاه‌ها و مدارسی غیردولتی که از اداره غیردولتی‌های آموزش و پرورش مجوز گرفته‌اند، نظارت می‌شود و اگر مشکلی باشد می‌توان آن را پیگیری کرد. عبداللهی‌فر افزود: این مؤسسات قابل کنترل و مدیریت هستند ولی بسیاری از مؤسسات مقطعی بوده و زمان امتحانات، انتخاب رشته و کنکور سبز می‌شوند و بیشتر جنبه‌های مالی و تجاری در آن‌ها مطرح است.

طرح شکایت با شاکی خصوصی

وی تصریح کرد: اگر شاکی خصوصی وجود داشته باشد به اماکن نیروی انتظامی مراجعه و شکایت مطرح می‌شود وگرنه به صورت کلی نمی‌توان با فضاها و نیروهای مؤسسات خارج از آموزش و پرورش برخورد کرد. عبداللهی‌فر همچنین گفت: سازمان نظام روانشناسی می تواند بر این مراکز نظارت کنند البته بازوی اجرایی آن‌ها هم باید طرح شکایت در دادگاه را طی کند و از طریق اماکن پلمب شود. وی خاطرنشان کرد: اگر به سطح شهر بروید بنرهای تبلیغاتی زیادی را مشاهده می‌کنید که عنوان «دکتر» در آن ذکر شده است؛ تحقیقات نشان می‌دهد که آن‌ها دکتر نبوده و بار علمی چندانی هم ندارند. جعفری با یادآوری این‌که مؤسساتی که از آموزش و پرورش مجوز دارند بر کار آن‌ها، تفکیک کارکنان، اساتید، فضاهای آموزش و غیره نظارت می‌شود، گفت: خانواده‌ها باید هوشیار بوده و به سمت این مراکز نروند.

آسیب‌زا بودن این مراکز

عبداللهی‌فر افزود: فعالیت مؤسسات غیرمجاز سبب ایجاد مشکلاتی برای دانش آموزان می‌شود، مثلاً مرکز مشاوره‌ای در گرگان وجود دارد که پانسیون تشکیل داده و از ساعت هفت صبح تا ۱۰ شب بچه‌ها آنجا مستقر هستند.وی با بیان این‌که این‌ها از نظر مالی و روحی آسیب‌زا هستند، گفت: با این موسسه‌ها باید نیروی انتظامی برخورد کند. عبداللهی‌فر اظهار کرد: بی‌سامانی‌هایی در این زمینه وجود دارد و برخی از افراد هم از این فضا و ناآگاهی خانواده‌ها سوء استفاده می‌کنند. وی گفت: در کلاس‌های مؤسسات مجوزدار محدودیت‌هایی وجود دارد و چون مدرس‌های آن مورد تأیید آموزش و پرورش است فضاهای سالمی ایجاد می‌شود. عبداللهی‌فر تأکید کرد: مبالغ در مؤسسات مجوزدار کنترل و طبق تعرفه شهریه دریافت می‌شود اما در غیررسمی‌ها این‌طور نیست. اگر دانش‌آموز براساس استاندارد آموزشی و یک برنامه مطالعاتی درست رفتار کند می‌تواند از فرصت‌های خود به شایستگی استفاده کرده و نتایج خوبی را برای خود رقم بزند؛ نکته‌ای که معاونت متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان هم بر آن تأکید کرد و گفت: در فضای آموزشی چیزی که برای ما مهم است کتاب درسی است. ابراهیم حاجیلری ادامه داد: تب داغ کلاس‌های کنکور به تصورات نادرست اولیاء برمی‌گردد زیرا آن‌ها فکر می‌کنند اگر فرزندان خود را در کلاس‌ها و مؤسسات خصوصی متعدد تعریف کنند، شانس یادگیری آن‌ها افزایش می‌یابد. وی گفت: داده‌های تجربی ما نشان می‌دهد که دانش‌آموزی که انگیزه‌های خواندن را در شرایط مدرسه‌ای خود به دست نیاورده باشد با کلاس‌های خصوصی و جبرانی این‌چنینی نمی‌توان مشکل تحصیلی وی را حل کرد. حاجیلری ادامه داد: این مؤسسات مکانی برای فرصت‌طلبی افراد سودجوست و چون این یک نیاز از طرف خانواده‌ها تلقی می‌شود، همه به آن سمت کشیده شده و سهم زیادی از منابع خانواده صرف این کار می‌شود. وی گفت: وظیفه ما به عنوان نهاد فرهنگی این است که تلاش کنیم خانواده‌ها دانش‌آموز خود را از لحاظ انرژی و انگیزه تقویت کنند تا حداکثر تلاش خود را برای موفقیت انجام دهد. حاجیلری تأکید کرد: دانش‌آموزی که در شرایط شخصی خود با یک برنامه منسجم تلاش لازم را نداشته باشد از قِبَل این کلاس‌ها چیزی جز این‌که هزینه خانواده را هرز دهد، عایدش نمی‌شود. وی نقش اقدامات فرهنگی را در این زمینه مهم دانست و تصریح کرد: چشم و هم چشمی‌هایی در بین خانواده‌ها و دانش آموزان وجود دارد و تصور می‌شود اگر نفر اول کنکور مثلاً در درس فیزیک دانش آموز وارد شود می‌تواند شرایط وی را متحول کند در صورتی که واقعاً این‌گونه نیست. این تصورات نادرست زمینه‌های فعالیت‌مؤسسات این‌چنینی را ایجاد کرده است.حاجیلری گفت: آموزش و پرورش روی این مسأله حساس است و تلاش می‌کنیم به خانواده‌ها اطلاعات مناسب‌تری ارائه دهیم تا تصمیمات بهتری را بگیرند. وی افزود: ممکن است برخی از آموزشگاه‌ها در قالب مؤسسات علمی آزاد مجوزهایی داشته باشند و چون بخش خصوصی هستند از فضاهای فانتزی برای جذب منابع بیشتر استفاده می‌کنند. حاجیلری با بیان این‌که خانواده‌ها نباید گول این فضاها را بخورند، تصریح کرد: دانش‌آموز تا زمانی که خودش نخواهد و تلاش نکند اتفاقی خوب درسی برای وی نخواهد افتاد. وی افزود: آموزش و پرورش هم تلاش می‌کند تا تکنیک‌ها و روش‌هایی را از طریق مشاوره های خود به خانواده‌ها تزریق کند تا شرایط موجود کنترل شود. حاجیلری بیان کرد: برخی از مواقع دانش‌آموز در فضاهایی قرار می‌گیرد که آسیب‌ها و خساراتی برای وی به همراه دارد بنابراین خانواده‌ها باید در این زمینه حساس باشند. برای نظارت بر کلاس‌ها و آموزشگاه‌های کنکور، آیین‌نامه‌ای در آموزش و پرورش وجود دارد و این آیین‌نامه ناظر بر هزینه کلاس‌ها، تعداد شرکت‌کنندگان در یک کلاس، جنسیت حضور در کلاس و غیره است که آموزشگاه‌ها را موظف کرده در چارچوب خاصی عمل کنند اما این‌که تا چه حد دستگاه‌های نظارتی قادر به کنترل مراکز آموزشی علمی آزاد هستند، سؤالی است که پاسخ آن را می‌توان از وضعیت فعلی کلاس‌ها و آموزشگاه‌ها غیرمجاز گرفت.

صادرات گلستان در سال گذشته ۷ درصد افزایش یافت

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: صادرات غیرنفتی استان در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ رشد هفت درصدی داشته است. به گزارش مهر، به نقل از روابط عمومی اداره کل صنعت، معدن و تجارت گلستان، حسینعلی قوانلو اظهار کرد: تغییر ارزش دلار در چند ماه پایانی سال گذشته سبب شد تا از انتهای پاییز تا پایان سال ۹۶ رشد بسیار خوبی را در صادرات غیر نفتی استان شاهد باشیم و در مجموع در سال ۹۶ صادرات استان از ۲۱۱ میلیون دلار در سال ۹۵ با رشد هفت درصدی به ۲۲۵ میلیون دلار رسید. وی در دومین جلسه کارگروه توسعه صادرات و کمیته برون‌گرایی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی ستاد اقتصاد مقاومتی استان، افزود: عمده اقلام صادراتی استان شامل پنیر، رب گوجه فرنگی، میله‌گرد، پلی‌استایرن، تخته فشرده ونئوپان، پریفرم، پلی اتیلن، قطعات سوله و ید بوده است. قوانلو با اشاره به این که کشورهای عراق با ۸۶ میلیون دلار، ترکمنستان ۵۵ میلیون دلار، افغانستان ۱۳ میلیون دلار و قزاقستان حدود ۱۰ میلیون دلار صادرات مهمترین کشورهای هدف صادراتی استان بوده‌اند، گفت: کشورهای رومانی،روسیه، بلغارستان، ازبکستان، ترکیه، هند، چین، قطر، پاکستان، ایتالیا، ویتنام، آذربایجان، هنک کنگ، صربستان، گرجستان، قرقیزستان، بوسنی و هرزگوین، یونان، تاجیکستان، بحرین، لهستان، نروژ، کنیا، ارمنستان، کویت، آلمان، امارات واسترالیا، کشورهایی بودند که در سال گذشته از استان گلستان محصولاتی به آنها صادر شد. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان تصریح کرد: با توجه به مصوبات ستاد اقتصاد مقاومتی و کارگروه توسعه صادرات استان در سال گذشته، توسعه کشورهای هدف صادراتی را مدنظر قرار دادیم که این مهم در سال گذشته به خوبی محقق شد. وی با بیان این که واردات برای گلستان یک مزیت است، گفت: از آنجا که عمده واردات استان کالاهای واسطه‌ای هستند نه کالاهای مصرفی و مزیت کالاهای واسطه‌ای این است که پس از فرآوری دوباره صادر می‌شوند، که این مساله به نفع استان است و موجب افزایش واردات این کالاها می شود. قوانلو ادامه داد: روند مثبت توسعه صادرات استان که ماه‌های پایانی سال گذشته آغاز شده همچنان ادامه دارد و در فروردین ماه سالجاری صادرات استان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۸ درصد رشد داشته است که امیدواریم این روند روبه رشد همچنان تداوم داشته باشد.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارد اجرای عملیات تهیه و اجرای روکش آسفالت در سطح شهر را با مبلغ برآورد اولیه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بر مبنای فهرست بها پایه رشته راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۳۹۷، برآورد، نقشه و مشخصات فنی پیوست آگهی مناقصه و بدون تعدیل به شرکتهای پیمانکاری واجد شرایط واگذار نماید. لذا شرکتهای پیمانکاری دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری پایه رشته راه، راه آهن و باند فرودگاه می توانند از تاریخ ۹۷/۳/۳۰ لغایت آخر وقت اداری مورخ ۹۷/۴/۹ به واحد امور قراردادهای شهرداری به آدرس گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان ـ طبقه سوم و یا به سایت شهرداری گرگان به آدرس اینترنتی WWW.GORGAN.IR مراجعه و ضمن دریافت اسناد مناقصه نسبت به تکمیل و ارائه اسناد در پاکت الف (تضمین شرکت در مناقصه) پاکت ب (اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات شرکت، رزومه، گواهی صلاحیت پیمانکاری، گواهی صلاحیت ایمنی و بهداشت(HSE)، اسناد و مدارک شرکت در مناقصه) و پاکت ج (پیشنهاد قیمت) به شرح ذیل در مدت زمان تعیین شده در متن آگهی در پاکت لاک و مهر شده به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان اقدام نمایند.

عبدالرضا دادبود ـ شهردار گرگان تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۱۲۰۲۴ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۱۰۷/۱۸ مترمربع ملکی خانم فرشته مطهری زاده فرزند علی اصغر ساعت ۱۱ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۸ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ کوی طالقانی ـ ۱۴ متری اول ـ انتهای کوچه ـ سر دونبش بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
علی برقی ـ رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۵۰۲ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای یحیی پاکمنش فرزند محمدعلی به شناسنامه شماره ۱۵ به شماره ملی ۲۱۲۲۱۱۶۵۳۶ صادره گرگان با ارائه دو برگ گواهی شهادت و شهود که در کلانتری ۱۴ گرگان تصدیق و امضا شده اعلام نموده که سند مالکیت دفترچه ای شماره ۳۸۰۵۲۴ ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین بمساحت ۲۵۵/۲۷ مترمربع به پلاک ۳۸۱ فرعی از ۳۸ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان که ذیل ثبت ۳۹۰۷۰ صفحه ۸۸ دفترجلد ۲۶۲ بنام نامبرده صادر گردید حسب اظهار نامبرده فوق الذکر که سند مالکیت اولیه آن سرقت شده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت(اصلاحی ۸۰/۱۱/۸) و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضا مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.
علی برقی ـ رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۴۹۴ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم زهرا دارنزده طبق درخواست وارده به شماره ۳۵۷ ـ ۹۷ مورخه ۱۳۹۷/۳/۲۸ با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفترخانه ۳۰ آق قلا ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۱۶۶،۰۹ مترمربع فرعی از ۱ ـ اصلی بخش ۷ ثبت آق قلا بنام زهرا دارنزده صادر و تسلیم گردیده بود بعلت جابجائی مفقود شده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است از اینرو باستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی، به ثبت محل مراجعه و اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
مهدی شاه مهری ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آق قلا ـ ۱۵۰۸م الف

خبر

افزایش ۸ درصدی جانباختگان موتورسیکلت در گلستان

رئیس پلیس راهور گلستان از افزایش هشت درصدی جانباختگان موتورسیکلت سوار گلستانی طی دو ماه نخست سال ۹۷ خبر داد و گفت: ۲۴ نفر از جانباختگان حوادث ترافیکی مربوط به موتورسیکلت‌سواران است. به گزارش مهر، سرهنگ ایوب شرافتی از افزایش هشت درصدی جانباختگان موتورسیکلت سواران گلستانی در حوزه درون شهری در دوماهه امسال خبر داد و اظهار کرد: تخطی از قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی باعث به وجود آمدن چنین وضعیتی خواهد شد. وی افزود: در تحلیل تصادفات، عابرین پیاده و موتورسواران به‌عنوان دو چالش اساسی ترافیکی استان به شمار می‌آیند. رئیس پلیس راهور گلستان با اشاره به آمار جانباختگان حوزه درون‌شهری و برون‌شهری سال ۹۶، گفت: ۱۳۸ نفر از موتور سیکلت سواران در حوادث ترافیکی جان خود را از دست دادند و در همین بخش دو هزار و ۹۱۴ نفر هم مجروح شدند. وی با بیان اینکه در دوماهه سال ۹۷ در حوزه درون‌شهری و برون‌شهری ۲۴ نفر از جانباختگان حوادث ترافیکی مربوط به مؤلفه موتور سیکلت سواران است، تصریح کرد: به‌طور متوسط طی ۶۰ روز نخست امسال هر سه روز یک کشته در بین موتور سیکلت سواران را شاهد بودیم. شرافتی اظهار کرد: ۴۵۰ نفر از مجروحان حوادث ترافیکی در دو ماهه امسال مربوط به موتور سیکلت سواران است و این در حالی است که اگر افراد به درستی از این وسیله نقلیه استفاده کنند بسیاری از مشکلات ترافیکی حل خواهد شد. رئیس پلیس راهور گلستان افزود: در دو ماهه امسال ۱۷ هزار و ۷۲۳ راننده موتور سیکلت سوار گلستانی اعمال قانون و سه هزار و ۲۸۵ موتور سیکلت متوقف شد. وی یادآور شد: برای اینکه بتوانیم از این وضعیت خارج شویم باید فرهنگ‌سازی و آموزش را به‌صورت جدی در دستور کار خود قرار دهیم. وی با اشاره به آمار تلفات جانباختگان موتورسیکلت سواران در حوزه ترافیکی طی پنج سال گذشته، خاطرنشان کرد: در سال ۹۲، ۴۱ درصد، سال ۹۳، ۵۱ درصد، سال ۹۴، ۵۴ درصد، سال ۹۵، ۵۲ درصد، سال ۹۶، ۴۴ درصد از جانباختگان حوزه ترافیکی مربوط به موتورسیکلت سواران بود.

محکوم به قصاص در گلستان بخشیده شد

معاون قضایی و رییس شوراهای حل اختلاف گلستان گفت: صبح دیروز بزرگواری اولیای دم باعث شد که یک محکوم به قصاص از چند قدمی چوبه دار برگشته و بخشیده شود. براساس اعلام دادگستری به ایرنا احمد جعفری اظهار کرد: این چهارمین بازگشت به زندگی از ابتدای امسال در گلستان بوده که خانواده مقتولان با بخشش؛ آنان را از قصاص نفس نجات داده اند. به گفته وی؛ این محکوم به قصاص چهار سال قبل در یک نزاع دسته جمعی و به علت کنترل نکردن خشم، یک نفر را به قتل رسانده بود. وی افزود: حکم قصاص این فرد پس از تایید در دیوان عالی کشور و استیذان (اجازه اجرای حکم قصاص) رییس قوه قضاییه در دست اجرا بود که این محکوم بخشیده شد. جعفری اضافه کرد: اعضای شورای حل اختلاف شعبه صلحی ویژه زندان گرگان پس از مشاهده آثار ندامت از سوی زندانی یاد شده و سعی او در جبران مافات، در چند مرحله از اولیای دم، معتمدین و ریش رسفیدان محلی دعوت کردند و خانواده مقتول بزرگوارانه از حق قانونی و شرعی خود گذشتند و بدون قید و شرط رضایت دادند.

۱۲۶ طرح روستایی گلستان تسهیلات دریافت کردند

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از پرداخت ۱۴۳ میلیارد ریال تسهیلات به ۱۲۶ طرح روستایی و ایجاد ۳۱۰ شغل در استان خبر داد.به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان، سعید مازندرانی در نشست با دهیاران و شوراهای روستایی استان اظهار کرد: تاکنون هزار و ۳۰۰ طرح در استان به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان به بانک‌های عامل برای پرداخت تسهیلات اشتغالزا معرفی شده‌اند.وی سهم شهرستان گرگان از این تسهیلات را ۸۳ طرح به ارزش ۲۴ میلیارد تومان اعلام کرد، افزود: تاکنون ۱۲۶ طرح روستایی ۱۴۳ میلیارد ریال تسهیلات دریافت کرده‌اند که منجر به اشتغال ۳۱۰ نفر شده است.مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان ادامه داد: با پرداخت تسهیلات به همه طرح‌های معرفی شده به بانک برای سه هزار و ۸۰۰ نفر در روستاهای استان شغل ایجاد می‌شود.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن مهر
www.golshanemehr.ir

جستاری به تحلیل انقلاب در علوم اجتماعی و سیاسی

بهشت واژگان

صادق پیوسته–انقلاب در علوم اجتماعی و سیاسی با نظریه‌های متفاوتی توضیح داده شده است؛ بنابراین در این مجال کوتاه، تنها اشاره‌هایی کوتاه و گزینشی ممکن می‌شود. کتاب‌هایی معتبر مانند نظریه‌های انقلاب از محمدحسین پناهی و نیز ترجمه‌هایی خوب از آثار بزرگان این حوزه به فارسی موجود است که برای توضیح بیشتر می‌توان به آن‌ها رجوع کرد. من به اشاره‌هایی بسنده می‌کنم که تصویری کلی بدهم و زوایایی را روشن می‌کنم که توجه به آن‌ها، جامعه‌شناسی انقلاب‌ها را ممکن می‌سازد.نظریه‌های انقلاب را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: برخی، علت و ریشه‌های انقلاب را می‌پژوهند. برخی دیگر، فرآیند انقلاب را بیان می‌کنند و دسته‌ی سوم، پیامدها را. ممکن است نظریه‌هایی، ادعای تفسیری یا تبیینی در دو یا هر سه‌ی این موارد داشته باشند. همچنین، انقلاب‌ها را می‌توان با گستره‌ی تأثیرشان از هم جدا کرد. انقلاب‌های سیاسی، تنها نظام سیاسی را دگرگون می‌کنند اما انقلاب‌های کبیر یا اجتماعی، نظام اجتماعی شامل روابط مالکیت یا طبقات جامعه را نیز به کلی دگرگون می‌کنند. دکتر پناهی در کتاب یادشده، تعریفی را مطرح می‌کند و از جامع و مانع بودن آن دفاع می‌کند: «انقلاب، عبارت است از دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم، که با سرنگونی رژیم به‌وسیله‌ی حرکتِ جمعیِ توده‌ای فراقانونی انجام می‌شود». دو عنصر اول این تعریف، پیامد انقلاب و سه عنصر بعدی، فرآیند آن را تشریح می‌کنند. با این حال در این تعریف، سخنی از ریشه‌های انقلاب نیست؛ مشکل تعریف مفاهیم در علوم اجتماعی همین است و تقریبا تعریف هیچ مفهومی ممکن نیست به گونه‌ای که برداشت از آن را در تمام نظریه‌های مرتبط شامل شود. برای مثال، در توضیح کلاسیک مارکس، انقلاب آن روندی خشونت‌آمیزی است در کنار گذاشتن طبقات قدیم از جایگاه فرادست یعنی اگر نیروهای تولید (فناوری، مدیریت و...) در جامعه عوض شوند و طبقات جدید پدید آید اما روابط تولید (ساختار مالکیت) عوض نشوند، یعنی طبقات قدیم سخت‌جانی کنند، با خشونت انقلابی، کنار گذاشته خواهند شد. برای مثال، وقتی فرانسه صنعتی شد و اغلب دهقانان و زمین‌داران، کارگر و مالک کارخانه‌ها و از طبقات جهان شهری جدید شدند، دموکراسی هم لازم شد و طبقات قدیم همچون زمین‌داران، اشراف، شاه و دربار بی‌معنا شدند و چون سخت‌جانی کردند، به واسطه‌ی انقلاب طبقات جدید، تار و مار شدند. به این ترتیب، انقلاب‌ها، تاریخ‌مند و مکان‌مند اند و گرچه این مفهوم را برای همه به کار می‌بریم، انقلاب برای هر زمان و مردمی، معنایی ویژه دارد. این که تعریفی برای شابلون کردن هر انقلابی در هر دوره‌ای یا در هر کشوری بسازیم، حتی در نگاه مارکس، ناممکن است. هر جامعه‌ای در هر دوره‌ای، نیروهای خاص خود را دارد و آرایش نیروها بنا به تاریخ نبرد آن‌ها، متفاوت است. همچنین، عوامل طبیعی و عوامل تأثیرگذار بیرون جامعه را نباید دست‌کم گرفت. در فرآیند انقلاب نیز هر مردمی، باورها، روایت‌ها و خاطره‌هایی دارند که به انقلاب کمک می‌کند یا مانع پیدایش انقلاب می‌شود. آرایشی از نیروهای موجود در یک جامعه در دوره ممکن است به انقلاب بینجامد و در دوره‌ای دیگر یا در جامعه‌ای دیگر، مانع تحقق انقلاب شود. با این حال، در انقلاب‌های مختلف، می‌توان علت‌ها، روندها و پیامدهایی مشترک را نیز یافت که نه به‌طور قطعی اما به طور احتمالی برقرار هستند یعنی در بیشتر موارد گذشته، تکرار شده‌اند. باز هم باید تأکید نمود که اگر عاملی در گذشته حتی در همه‌ی موارد تکرار شده باشد، تضمینی نیست که در آینده نیز تکرار شود. با این حال، این که آن را محتمل بینداریم یا دست‌کم به آن آگاه باشیم، آگاهی‌بخش و موجب هوشمندی است. اگر آینده‌ای محتمل را در نظر بگیریم و بهتر از آن، اگر سناریوهای مختلفی برای آینده در نظر بگیریم و برای رویارویی با آن‌ها طرح‌های مناسب داشته باشیم، بهتر از این است که به بهانه‌ی واقعیتِ ویژه‌بودنِ هر رخداد، به‌کلی از پیش‌بینی یا سناریوپردازی آن چشم بپوشیم. از سوی دیگر، اگر پیش‌بینی و حتی سناریوهای خود را قطعی بپنداریم، از سوی دیگر بام افتاده‌ایم. در مجموع، گزاره‌هایی را می‌توانم بیان کنم که که هر یک لااقل بنا به برخی رویکردها در علوم اجتماعی و سیاسی، ارزش‌مند محسوب می‌شوند. با بازگویی چند مورد از آن‌ها، این یادداشت را پایان می‌بخشم:

•فقر و بدبختی ممکن است باعث شورش شود اما انقلاب، نه! سوخت انقلاب، حس و درد مشترک تبعیض و فساد و بیزاری مردم از وضعیت خویش است اما این سوخت برای آتش انقلاب به یک جرقه نیاز دارد.

•جرقه ممکن است فساد یا کشتار بزرگ، حادثه‌ی طبیعی یا هر امر غیرمنتظره‌ای باشد اما حتما باید با زوال نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی رژیم حاکم همراه باشد وگرنه عامل شتابزای انقلاب نمی‌شود.

•نارضایتی‌ها از عوامل مختلف و در قشرهای مختلف ممکن است پدید آیند و خشم عمومی را بسازند که بستر انقلاب است اما بستر آماده، ممکن است سال‌ها باقی بماند و تنها فرصت مناسب و پیدایش عامل شتابزا است که انقلاب را به حلقه‌ی پیروزی می‌رساند.

•اگر نیروهای مدنی (مانند صنف‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها) در چارچوب جامعه‌ی مدنی منسجم شده باشند و جامعه‌ی سیاسی (به معنای گروه‌های رقیب بیرون و درون حاکمیت) نیز در حال رقابتی غیرحذفی و مبتنی بر نظر مردم منسجم در نهادهای مدنی باشد، خواسته‌های گروه‌های مختلف یا جامعه‌ی مدنی در بستر آرا جریان می‌یابد و جامعه‌ی سیاسی، شکلی متناسب با آن می‌یابد و انقلاب از موضوعیت می‌افتد اما اگر با پیوند فاسدان سیاسی/مالی/نظامی، تنها ظاهری از نظر مردم باقی بماند و گروه‌های ناراضی افزایش یابند، بستر انقلابی باز هم پدیدار خواهد شد.

•اگر دوره‌ای از پیشرفت فناوری، رونق اقتصادی، وعده‌های سیاسی یا هر عامل دیگری، انتظارات مردم را فزاینده سازد اما کم‌کم افولی در دستاوردهای مادی یا معنوی پدید آید، جنبش انقلابی در مردم برای دستیابی به انتظارات‌شان پدید خواهد آمد.

•معمولا نه سستی و نه شدت برخورد با اعتراض‌ها بلکه تزلزل و قاطع‌نبودن حکومت، راه موفقیت انقلاب‌ها را باز می‌کند: مثلا رژیم، وعده‌ی اصلاحات می‌دهد اما ظرفیت آن را ندارد یا وعده‌ی سرکوب می‌دهد و توان آن را ندارد و عقب‌شینی می‌کند.

•در شرایط نوسازی شتابان و نامتوازن یعنی وقتی که آموزش نیروهای فرهیخته و نخبه زیاد می‌شود و مشارکت مردم افزایش می‌یابد اما نهادینگی کافی نیست یعنی سازمان‌هایی برای جذب متخصصان وجود ندارد، مردم احساس می‌کنند از نیروی آنان استفاده نمی‌شود و نسبت به متخصصان موجود در سیستم، احساس تبعیض می‌کنند و شرایط انقلابی خواهد شد.

•معمولا انقلاب‌ها با وعده‌های بهشت‌سازی روی زمین شکل می‌گیرند زیرا باید افراد مجاب شوند که قربانی راه هدف گردند اما در عمل، باید با نیروهای جامعه‌ی موجود، به هدف رسید. میانه‌روها، پس از انقلاب، بازسازی جامعه را آغاز می‌کنند اما تندروها می‌اندیشند بهشت موعود پدید نیامده است و با تهییج مردمی که به دنبال مقصر هستند، میانه‌روها را کنار می‌زنند و اعدام‌ها و تصفیه‌هایی خونبار صورت می‌گیرد. وقتی باز هم نتیجه‌ی دلخواه حاصل نشد، تندروها کنار گذاشته می‌شوند و جامعه به تعادلی مجدد میان نیروهایش می‌رسد. در این میان، افراد و گروه‌های زیادی از انقلاب، سواری مجانی می‌گیرند.

•انقلاب با فداکاری و حدی از خشونت همراه است؛ پس حوادث آن را نه برنامه‌ریزی بلکه مردم‌انگیزی و هیجان عمومی پیش می‌برد و نیرویی در فردای انقلاب تعیین‌کننده‌تر است که ساده‌تر مردم را بسیج کند، به هیجان آورد، اقشار مختلف را متحد کند و امکانات مادی سازماندهی مردم و توان استفاده از اسلحه و خشونت را داشته باشد نه نیرویی که بهتر استدلال می‌کند یا داناتر است.

پاسداشت

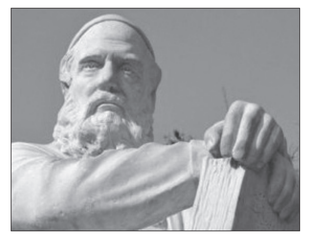

عُمَر خَیّام نیشابوری (نام کامل: غیاث‌الدین ابوالفتح عُمَر بن ابراهیم خَیّام نیشابوری) که خیامی و خیام‌نیشابوری و خیامی النّیسابوریهم نامیده شده‌است، همه‌چیزدان،فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و رباعی‌سرای ایرانی در دوره سلجوقی است. گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی اوست و لقبش «حجّةالحق» بوده‌است،ولی آوازه وی بیشتر با انگیزه نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. افزون بر آن‌که رباعیات خیام را به بیشتر زبان‌های زنده برگردان نموده‌اند، ادوارد فیتزجرالدرباعیات او را به زبان انگلیسی برگردانده است که مایه شهرت بیشتر وی در مغرب زمین شده‌است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان سر و سامان دادن و سرپرستی محاسبات گاه‌شماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۲۶–۴۹۰ هجری قمری) بود، دانست؛ محاسبات منسوب به خیام در این زمینه، هنوز معتبر است و دقتی به مراتب بالاتر از تقویم میلادی دارد. وی در ریاضیات، نجوم، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود. نقش خیام در حل معادلات درجه‌سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام او را به عنوان ریاضی‌دانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده‌است.نوپیدا کردن نظریه‌ای درباره نسبت‌های هم‌ارز با نظریه اقلیدس نیز از مهم‌ترین کارهای اوست

عدم فهم از تاریخ و بی سرانجامی آینده

پژمان گلچین

روزی با دوستی بر روال روزمره، گپی را آغاز کرده بودیم و کلام رسید به اینجا که او گفت:ما بایستی در ایران فلان کار را انجام دهیم تا بتوانیم در راستای توسعه به پیش برویم
و من گفتم:
به نظرم تا زمانی که تاریخ نداشته باشیم قدم از قدم بر نخواهیم داشت.

در اغاز، آن دوست، برداشتش از حرف من این بود که، بایستی برویم کتاب تاریخ بخوانیم تا تاریخ–دار بشویم، و من در مسیر ایراد بر نقص برداشت او، سرفصل مضمونی را بین خودمان باز کردم که از همان مقدمه، در ادامه ی این مطلب، شرح داده خواهد شد.

در ابتدا و در همان مقدماتی ترین بخش ورود به این مطلب، بایستی برویم و ببینیم ما با چه چیزی و به چه عنوانی به نام «تاریخ» روبرو هستیم، که مولف این متن که خود من می باشم، مدعی هستم «بدون داشتن «تاریخ» امکان گام برداشتنمان در هیچ جهتی نیست»؟

این فرآیند باز–معنا کردن لفظ فوق، با ارجاع به وضع متداول و مستعمل این لفظ صورت خواهد گرفت. یعنی، به جای رفتن به سراغ شرح محتوایی «تاریخ» به معنای دقیق کلمه، از این تلاش به ظاهر آکادمیک، فعلا چشم پوشی میکنیم و فرض را بر این میگذارم که با همان معنای دم دستی و روزمره ی تاریخ روبروییم و در همین موقعیت شروع می کنم از خود و شما در همین زمینه پرسیدن، که:

وقتی لفظ «تاریخ» را به کار میبریم، آیا ما با یک امر موجود روبروییم یا یک چیزیست که به عرصه ی خیال ما پهلو می زند، و چیز خارجی ای در بیرون نیست؟

اگر فرض را بگذاریم که می توانیم مصادیقی برای این لفظ، یعنی «تاریخ» در بیرون بیابیم؛ حتی قراردادی و موقت، بایستی از یک سئوال دیگر پرده برداریم که، تا چه اندازه به «ضرورت» برای تاریخ معتقدید، یعنی تا چه اندازه باور دارید که، تاریخ از نقطه ای که آغاز شده است ختم به همان نقطه ای خواهد شد که از قبل در مدار ترسیمی ذهنتان تصورش کرده بودید ؟! و مهم نیست اینکه چه تاریخ، به عنوان موجودیتی از پیش تدوین شده در ساختار طبیعت و جهان در نظر گرفته شود، و چه به عنوان ساختار از پیش تعیین شده درذهن عاملان و ایجاد کنندگانش؟

پرسش بعدی این است که، آیا تاریخ از به هم پیوستن عاملانی انسانی شکل میگیرد یا بر اساس اراده ی افرادی که نا خواسته این عاملیت را به دست دارند و یک ضرورت طبیعیست به وجود می آید؟

به هر حال، چه عاملیت این چیز، از دل افراد بر بخیزد و چه از دل ساخت جهان، آیا همواره تاریخ مسیر رو به جلو را انتخاب می کند، یا مسیر تاریخ نا متعین تر از این حرفهاست؟ یعنی گاهی رو به جلو و گاهی رو به عقب.

این رو به جلو و روبه عقب فرض کردن تاریخ چنین است که، از یک باور خطی انگار زمانی بر می خیزد؟ آیا نمی شود تاریخ را در جهات متعددی متصور بود؟ و الزاما رو به دو جهت عقب و جلو لحاظش نکرد؟گویی با ورود به این حجم از پرسشها، نا خواسته بایستی بازگردیم به آغازین ترین مطلبی که می خواستیم از آن سخن بگوییم، «تاریخ چیست».البته با این بازگشت جدید به پرسش اولیه اوضاع کمی فرق میکند.چون ارجاع به پرسش «تاریخ چیست» وجه مشترک ابتدای کار با همین اکنون است که به اینجا رسیده ایم، اما تفاوتشان در این است که، بعد از ورود به این پرسشها متوجه حجم سنگینی از نادانسته گی هایی می شویم که نیاز است برای فهمشان از روی خیلی از مفاهیمی که بداهتی دم دستی برایمان داشت عبور کرده و با این فرض، حال بیشتر و موثق تر خواهیم دانست که چرا به سراغ آن قصد اولیه که پاسخ دادن به معنای تاریخ بود بازگشته ایم؛ اگرچه شاید بلاتکلیفیمان در قبال پاسخ به پرسشها افزون تر شده است. در چنین اوضاعی حال مجدد میپرسیم که:

آیا به نظر شما با این حجم بلاتکلیفی از فهم معنای تاریخ، اصلا می شود از چیزی به نام تاریخ یاد کرد؟! گویی هرچه به این سمت بیشتر نظرمان سوق پیدا کند بایستی به سراغ معنایی کلی تر و جامع تر و تمام شمول تر گام برداریم. اگرچه چنین چیزی خود مبحثی دیگر است و نیاز به شرح پیوست دیگری دارد.

یا شاید بایستی آنقدر پرسش را شخصی اش کرد تا از تجربه ی فردانی افراد، سراغ این موجود نا مشخص را گرفت و از ایشان پرسید، آیا معنای لفظ «تاریخ» را تجربه کرده اید، یا در نگاهتان هیچ معنایی برایش قائل نیستید؟!البته پیش از ورود مجدد به اینکه بخواهیم «تاریخ» را محل پرسش خودمان قرار دهیم، بایستی از چیز مهم دیگری نیز سر در بیاوریم، و آن هم این است که، آیا به واقع ما در ازای لفظِ «تاریخ» آن هم هنگامی که در زبان روزمره و تخصصی به کارش می گیریم، معنای خاصی به ذهنمان متبادر می شود که حاصل تامل ما بوده است یا بنا بر عادت که عموم الفاظ روزمره ی ما دچار آن شده اند توانایی انکشاف این لفظ را در ذهنمان معلق اعلام کرده ایم!! یعنی صرفا همانطور که پیشینیانمان برای اسب تک شاخ، لفظ «اسب تک شاخ» را انتخاب کرده اند و موجودیت چنان چیزی برای امروزه ی ما، در لایه ی سنگینی از ابهام است، برای تاریخ هم لفظ «تاریخ» را برگزیده اند، و ما کلا از مصادیق این لفظ بیخبریم، و به عبارتی حتی از ابتدایی ترین مصداقهای انضمامی زیستی هم برای معرفی وجودی این لفظ قاصریم.

به دریافت من، در هر ساختار پژوهشی ، هنگامی که ما در مورد امری می اندیشیم، لحاظ سه وجه در مورد موضوع مورد پژوهش، گویی ضروریست. آن سه وجهی که میشود از آنها یاد کرد به شرح زیر هستند: وجه شخصی، وجه عمومی و وجه کلی.

۱. وجه شخصی، وجه جزئی–فردی ای هست که در نسبت با تجربه ی شخصی و فردانی خود فرد پژوهنده رخ می دهد شاید معادل این لفظ در انگلیسی را بتوان لفظ private در نظر گرفت. به طوری که حاصل خصوصی ترین تجربه های ادراکی فرد در جهان است و تا زمانی که توان بست عام برای دیگری نیافته باشد نمی تواند اعتباری برای رد یا اثبات را کسب کند.

۲.وجه عمومی و اجتماعی که به عنوان یک موقعیت عمومی و در پیرامون خود فرد که برآمده از مناسبات اجتماعی او هست قابل بررسیست و این وجه از یک زبان عمومی و general تبعیت میکند که برای دیگری هم–فرهنگ یا هم–تجربه ی زیسته، قابل درک است.

۳.وجه کلی و universal امر مورد پژوهش، که در این وجه، موضوع به شکلی کاویده میشود که مورد فهم عموم جوامع بشری و نوع انسان قرار بگیرد و مفاهیم از گستره ی شخص، فرهنگ و اجتماع خاصی که فرد در آن زیست میکند خارج می شوند، و به عبارتی وجه «کلی» آن امر مورد نظر، مورد پژوهش قرار میگیرد. و احکام منتج از پژوهش دایره ی شمول شناختیشان، کلی هستند و abstract.

عموما در هنگام پژوهش در مورد هر موضوعی، ما این سه گانه را خواسته یا نا خواسته در درون پژوهشمان لحاظ میکنیم، و در تحقیقات علوم طبیعی که ملموس ترین و آزمایشگاهی ترین پژوهش ها هستند، هم از آغاز، پژوهشگران تلاش میکنند، تجربیات جزئی و فردی را با ذیل فرمول در آوردن به وجه کلی، قابل فهم کنند. در چنین حالتی موضوع مورد پژوهش، قابل باز بینی و مناقشه افکنی و نقد و بازآفرینی و بازبینی قرار میگیرد. نیز در هنگام پژوهش در امور اجتماعی، گاها این امر فردی و جزئی، توامان با امر عمومی و جنرال، هماهنگ، و گاها معطوف به امر عمومی صرف، خوانش می گردد. و در فلسفه، هم از آغاز، ضرورت دارد که امر کلی را بیابیم و از سطح وضع فردی و اجتماعی(عمومی) استنتاج کلی را انجام بدهیم و حتی اگر از روشی استقرایی هم استفاده می کنیم، با این فرض است که، استقرا هم، حتی اگر ناقص باشد، نهایتا مقصودمان استخراج معنایی کلی از پدیده هاست.البته با لحاظ اشتراکات و اختلافات موجود بین امور چنین ضروری، حال مجدد بیاییم و به بازسازی معنای معادل با لفظ «تاریخ» بپردازیم. یعنی ضمن لحاظ آنچه از تجربه و دریافت فردانی–جزئیت، که از موضوع داریم، بیاییم و دریافت را در وجه جنرال هم بکاویم و تلاش کنیم امر فوق را ذیل معنایی کلی هم خوانشش کنیم. هم تاریخ مرتبط با فرد، هم تاریخ مرتبط با اجتماع و هم معنای محض تاریخ. این فرآیند را هم جوری پیش نرویم که اولویت و اولیتی برای هر کدام قائل باشیم، بلکه این فرآیند توامان و در هم تنیده را با هم در نظر گرفته و پیش ببریم.

«تاریخ» در قبال آنچه در روزمره ی خود، با آن، به عنوان فردِ جزئی روبروییم، حاصل ترکیب به یادآورنده ای از اتفاقهایی هست که در زندگی منِ جزئی رخ داده اند. از زایمان مادر آغاز میشود و به فراخور توان به یادآورندگی و درهم تَنیدگی و پیوستاری رویدادها در مغز، روزها و شبهای متعددی را برای منِ جزئی، زنده نگاه داشته میشود. میبینمشان. میشناسمشان و حاصل اتفاقها، به واسطه ی ساختار به یادآورندگی، و به واسطه ی ساختار حافظه، واجد دو موقعیت تکرارشوندگی، و غیبت و تکرارنشوندگی میگردند. خوب که به این اتصال ها و گسست ها می نگرم، چیزی پیوستار، مکانمند، و متحرک را شهادت میدهم که موجود است. یک چیزی که نیست اما گویی هست. و یک چیزی که هست و گویی مدام نیست میشود. یک امر دگرگون شونده ی مدام در حال شدن. به عبارتی اگر بخواهیم تاریخ یک چیز را به صورتی دم دستی و روزمره روایت کنیم، گویی بایستی مسیر «شدن» آنچیز را روایت کرده و به دیگری و به خود، آن «شدن» را اعلام کنیم. این «شدن» در تمام مراحل زیستی «چیزها» مشهود است. مثلا اگر بگوییم تاریخ سلولها، به عبارتی منظورمان سیر»شدن« آن سلول هاست که زیر نظرشان داریم، یا وقتی در مورد تاریخ علم حرف میزنیم یا وقتی می گوییم تاریخ ریاضیات و تاریخ اندیشه، از انواع و گونه های مختلفی یاد میکنیم که وقتی «شدن» را در کنار آن موضوع محوری ایشان بگذاریم، روبه سوی «تاریخ» آن چیز گام برداشته ایم. پس به نظر میرسد، هنگامی که از تاریخ، می خواهیم سخنی بگوییم، بایستی تکلیف خود را با معنایی کاربردی تر و زیستی تر به نام «شدن» مشخص کنیم. «شدن» مسئله ای نیست که صرفا در تجربه ی زیسته ی من جزئی ثابت باقی مانده باشد. در همه ی موقعیت ها قابل ملاحظه است و اینک وقت آن است که با بازگشتی به این لفظ، از خود و دیگری بپرسیم، «شدن چیست؟». وقتی چیزی می شود، به عبارتی به شکلی از موقعیت جدیدی تبدیل می شود که سابق بر این نبوده است. یعنی مدام دگرگونی را در خود، و با خود، به همراه دارد. «دگر¬¬گون» همان دیگر گونه شدن است. یعنی شکلش، مکانش، زمانش، فعلیتش، اجزایش و ... هر یک در جایی و جایگاهی به تغییر می افتند. آن چیز سابق دیگر همان که بود نخواهد ماند. دیگرگون شده است. همان «شدن» را در خود فعال کرده است. هر چیزی شکل شدنش با چیز دیگر متفاوت است و می توان از انواع شدنها یاد کرد. برای همین ما از انواع تاریخ ها یاد میکنیم. شدن سلولی، تاریخ سلولی را می سازد، و شدن دانش ما از ساختار علمی جهان، تاریخ علم را در بر میگیرد، و شدن تحولات اجتماعی، تاریخ اجتماع را. یعنی همینکه ما با دگرگونی سلول روبرو می شویم می توانیم از یک تاریخ خاص مرتبط با روند شدن سلولها، آگاهی بیابیم و هنگامی که از دگرگونی نظریات علمی مطلع می گردیم از تاریخ علم، و با خبر شدن ما از دگرگونی داده های مرتبط به اجتماع یا اجتماعات، ما را با تاریخ تحولات اجتماع یا اجتماعات آشنا میکند. اما اگر دستگاه نظری ما به گونه ای باشد که نتواند از «شدن» به مثابه ی امر قابل پژوهش یاد کند، یا مراحل «شدن» را نتواند به هم بپیوندند، یا نتواند شدن های متعدد یک نوع را، مثلا شدن های سلول ها را، یا شدن های دانش نظری–علمی را، یا شدن های اجتماعی را در ذیل همان نوع، در یاد یا حافظه اش نگهداری کند، یا اساسا خود این شدنها، همیشه بخشی از مسیر شوندگی خویش را مخفی نکاه دارند و امکان بروز را، به طور مداوم، از دسترس خارج نگاه دارند، گویی سخن گفتن از دانش ما در مورد امور یا امر شونده، چیزی مهمل و خارج از عقل و منطقِ پژوهش و دانش خواهد بود. اما آنچه در ساختار به یادآورندگی ما فعال است، گویی نادیَده گرفتن این وضع کلان است و متعاقبا حتی فرضی جدی تر را نا خواسته به عنوان یک امر محرز، از پیش لحاظ کرده است. فرض فوق، این است که این امر شونده، امکان ادراکی ای برای ما قائل است، که از ساختار درونی اش می توانیم آگاهی بیابیم و میدانیم که «شدن» مسیریست که بدون درک آن نمی توان به درکی از تاریخ پی برد. به عبارتی ما می خواهیم در مورد «تاریخ» به عنوان امری قابل پژوهش سخن بگوییم و حال اینکه در هر مرحله با بخشی از دلنگرانی هایی روبرو میشویم که تا نسبت مشخص و دقیقی با آنها و برای خود مشخص نکرده باشیم، نمی توانیم مسیر بعدی را طی کنیم.لذا برای ورود به مبحث پرسش از چیستی «تاریخ» نیز، چنان نیست که به این راحتی ها بتوان از امور پیش آمده ی موجود و از امور شدنده ی سابق، پی به وجود معنای «تاریخ» ببریم و بایستی یک جاهایی از کار پژوهش را، به واسطه ی فرضهای کمکی و لحاظ کردن یک سری گزاره های مبنایی برای پژوهش، پیش ببریم. فرضهایی کمکی ای که اگر در گامهای بعدی پژوهش متوجه سست بودن آنها شویم، تمام مسیر پیش آمده ی پشت سرمان را به پرتگاهی مهیب تبدیل خواهد کرد و گویی که، از آغاز، پژوهشی را دردست نگرفته بودیم. پس حتی برای انتخاب این فرضهای مقدماتی کمکی نیز، نیاز به تامل و صبوری و دقتی بیش از حد معمول را داریم، و با لحاظ این ساختار فرضهای کمکی حین پژوهش، با توجه به اینکه برای بسط نظری معنای «تاریخ» ضرورت است که معنای امر شونده و از آن مهمتر خود «شدن» را بکاویم، لذا بایستی مجدد با سلسله پرسشهایی جدید کار را ادامه دهیم. پرسشهای فوق چنین اند که: امری ایا موجود هست که میشود، و این فرایند شدن را در خود احداث میکند؟ یا امری مستقلا با این «شدن» موجود می شود؟!

«شدن» خودش شیء هست و موجود، یا «شدن» یک معنای شناختی ما از امر شونده است؟!

ایا وقتی «شدن» هست، این «شدن» به سوی غایتیست و برای رسیدن به جاییست یا «جا» همان مقاطع متکثر این شوندگیست؟!

«شدن» واجد یک موقعیت ثابت است که می تواند «شدن» را در خود نگاه دارد، یا «شدن» خودش همانا همان موقعیت پایدار و ثابت است؟!

انچه میشود، آن شونده، چیزی مستقل از فهم ما از شوند مورد پژوهش است، یا هرآنچه را که می پژوهیم، همانیست که ما می پژوهیم و «شدن» گویی همان شدنیست در دریافت ما از امری ثابت در عالم واقع!شاید با اغماض فراوان بتوان گفت که، موضوع «شدن» در ساحت علم، بتواند خود را زود به نتیجه برساند، اما گویی بستری که انتظار داریم، در آن بستر که همانا زندگی و تجربه ی زیسته ی روزمره امان است، پاسخی دم دستی و آسان به پرسش مورد پژوهش خود بدهیم، آنسان هم آسان و دم دستی نیست و با حدسها وموقعیت جهانشناختی نا متقن ما، ما را به ورطه ای از نا کشفی و نافهمی میکشاند.

همانطور که مطرح شد «تاریخ» به روایتهای متعددی قابل دریافت است: تاریخ طبیعت/تاریخ باستان شناسان و دیرینه شناسان/تاریخ جریان شناسی/تاریخ انسانی از وجه انسان شناسانه/تاریخ انسانی از وجه انسان نگارانه/تاریخ انسانی از وجه تکاملی/تاریخ تحولات اجتماعی/تاریخ رویدادهای فرهنگی/تاریخ تقابلهای اقتصادی و طبقاتی/تاریخ تقابلهای جنسیتی و نژادی/تاریخ ادیان /تاریخ فروپاشی های تمدنی/ تاریخ رویدادهای آغازین/تاریخ صنفی و جریانی خاص از قبیل تاریخ علم یا فلسفه/و ....لفظ «تاریخ» گویی در قبال آن امر پیوستاری که، هم از آغاز ،به عنوان یک امر لحاظ–شده؛ در نظر پژوهنده، در نظر گرفته شده است، به کار گرفته میشود. یعنی، اَینکه چیزی هست یا بوده است، که صرفا در قبال وجه نظر یا التفات بیننده قابل تحلیل است، وگرنه آنچه که هست، که هست. در چنین موقعیتی، ما باَ تاریخ صرفا به تنهایی روبرو نیستیم، بلکه با تاریخ یک چیز روبروییم که ما آن چیز را به عنوان یک فرض اولیه، موجود در نظر گرفته ایم. شاید اینطوری بتوان گفت که، ما امر مکمل «تاریخ» را که خودش دیگر «تاریخ» نیست، در نسبت با بیننده اش معتبر میدانیم و این یکی از فرضهای کمکیِ با اهمیت ما، در هر پژوهشی از جمله پژوهش در ازای کشف معنای «تاریخ» است. به عبارتی در همین لحظه که ما مشغول زیستن هستیم این زیست ما مجموعه ای از رویدادهایی هست که با اشکال و موقعیتهای مختلف در حال شدن و رخ دادن است، و اینقدر که ما به تفکیک در پاراگراف قبل ایشان را از هم جدا کردیم، منفک از هم نیستند، اما هنگامی که ما برای فهم چیزها وارد پژوهش میشویم، این تفکیک را به میزان التفاتی که به آنها داریم، در مبحث تحقیقمان در دست خواهیم گرفت و لذا وقتی می خواهیم از «تاریخ» به تنهایی یاد کنیم، بایستی به جد از لفظ ترکیبی مورد پژوهشمان پرده برداری کنیم و به سرعت اعلام کنیم، منظورمان از «تاریخ»، تاریخ چیزیست.

به عبارتی اگر همین قسمت کار را معلق کنیم و به ادامه ی شرح تخصصی مطلب نپردازیم ، و به همین اندازه در کلام بسنده کنیم. می توانیم، با پرسیدن از «تاریخ» به پرسیدن از»شدن» و نیز با روبرو شدن با «تاریخ» به لفظ مکمل پیوستاری اش، به عنوان دو موضوع مهم در دل پرسش اولیه ای که بین دو دوست پیش آمد، تمرکز کنیم، تا متوجه یک معنایی واضح تر در کلام دو طرف دیالوگ شویم. اینکه وقتی در قبال پرسش از توسعه پاسخ می دهم که: «به نظرم تا زمانی که تاریخ نداشته باشیم قدم از قدم بر نخواهیم داشت.» گویی منظور این است که اولا ما در مورد «تاریخ توسعه» سخن گفته ایم یا می خواهیم سخن بگوییم، و در ثانی اگر تاریخ داشتن به مثابه ی درک ما از ساختار شوندگی و پاسخ به پرسشهای زیرمجموعه اش است، تا زمانی که تکلیفمان را با آن پرسشها حل نکرده باشیم و تا زمانی که نتوانیم روزمرگی این پرسشها را در زندگی هر روزینه امان تجربه کنیم، ورود به باب توسعه، بیشتر رفتار مهندسی شده ی ضعیف و ناکار آمدی خواهد بود، که هر آئینه با چنین بیدقتی ای، فروپاشی تمام دستاوردها را برایمان به همراه خواهد داشت. به عبارتی برای فهم تاریخ، اولا بایستی با معنای «شدن» در بسیاری از مقاطع زیست خود و با بسیاری از موارد زیست خود روبرو شد و موقعیت این شوندکی را به پرسش کشاند و از پرسشهای مطرح شده در این متن و پرسشهای دیگر که مرتبط با چگونگی درک ما از شدن است، پاسخی در خورد محیط و فرهنگ روزمره امان داد و در ثانی، نمی توان از آنچه در مورد معنای تاریخی و چیستی و چگونگی آن است به سادگی گذشت و بحران های نافهمی ما از چنین موضوع مهمی را نادیده گرفت. اندیشه ای که نتواند درک درستی از تاریخ رویدادهای پیش آمده، داشته باشد، نمی تواند در فرآیند زیستی، دست به آفرینش آینده بزند، و به عبارتی این گزاره ی جدید، مسئله ای است جدی، که آیا درک به قاعده ی ما از معنای «تاریخ» برای فهم ما از آینده مهم است؟ و اگر برنامه ریزی را بخشی از فهم ما از آینده بدانیم، آیا وقت آن نیست که بپرسیم برنامه ریزی و نسبتهایش با تاریخ چیستند؟ به نظر ما هر چقدر بیشتر به کاوش در این زمینه ها بپردازیم به مازی چند بعدی وارد می شویم، که نیاز است موقعیت کاوشی بیشتری را در خود فعال نگاه داریم. اگر تاسیس آینده را نوعی توسعه یافتگی خوانش کنیم، دست یافتن به چنین اوضاعی، گویی که نیازمند درک ما از چنان وضعی هست که بر ما گذشته است. درک چنین وضعی که بر ما گذشته است، ضرورتا خود رویدادهای پیش آمده در گذشته نیستند، بلکه فهم ما از آن رویدادها و نوع ارتباط ما با ایشان بوده است. حال اینک و برای باری دیگر از خود و از دوستمان میپرسیم که به واقع تاریخ چیست و تو چگونه تاریخ را در زیست روزمره ات مشاهده میکنی، یا مشاهده کرده ای؟